**باسمه تعالی**

**غلط‌های ترجمه‌ای بیانیه لوزان**

**چکيده**

**متاسفانه بيانيه لوزان نيز همانند توافقنامه ژنو داراي غلط­هاي فاحش و**

**بي دقتي‌هاي ترجمه‌اي است که مهمترين آنها در اين نوشته بيان خواهد شد.**

**مقدمه**

در قراردادهاي بين المللي­اي که کشورهاي طرف مذاکره، زبان متفاوتي دارند، لازم است متن قرارداد به زبان اصلي هر کشور نوشته شود و قيد گردد که تمامي اين نسخه‌ها اعتباري يکسان دارند. البته اين پيشنهادي نيست که از جانب نويسنده ارائه شده باشد بلکه امري است که در قراردادها و توافقنامه هاي بين المللي رخ داده است.

 به عنوان مثال در معاهده منع گسترش سلاحهاي هسته اي ـ­ان پي تي ـ که ايران نيز عضو آن است ـ اين قاعده لحاظ شده است. ماده يازدهم ان پي تي تصريح مي کند:

«**اين پيمان، متن انگليسي، روسي، فرانسه، اسپانيولي و چيني آن که همگي از اعتبار يکساني برخوردارند**، در آرشيو دولت‌هاي امانت‌دار محفوظ خواهند بود. نسخه‌هاي تاييد شده اين پيمان، بايد توسط دولت‌هاي امانت‌دار به دولت‌هاي امضاکننده و ملحق شده به آن ارسال شود.»

دليل اين امر اين است که در مذاکرات همواره کشورها تلاش مي‌کنند متن قرارداد به نفع خودشان نوشته شود، بنابراين از عبارات و واژه‌ها به بهترين شکل براي تحقق منافعشان استفاده مي‌کنند و چون تسلطشان به زبان بومي خود بيشتر از زبان بيگانه طرف مقابل است، زبان بومي کشورشان را رها نمي کنند و به زبان رقيب خود متمسک نمي شوند.

در توافقات هسته­اي چنين امري تاکنون در دولت يازدهم رعايت نشده و اميدي هم به رعايت آن در توافق نهايي وجود ندارد. سند رسمي توافقنامه ژنو و بيانيه لوزان به زبان انگليسي نوشته شده است. بنابراين تنها متن انگليسي توافقنامه‌ي ژنو و بياينه‌ي لوزان معتبر است و متن فارسي آنها هيچ ارزش و اعتبار حقوقي ندارد.

اگرچه متن فارسي ژنو و لوزان به لحاظ حقوقي بي ارزش است اما بسيار مهم است. زيرا برداشت و ارزيابي مردم ايران اعم از نخبگان و عموم مردم از اين توافقها بر اساس متن فارسي آنها مي باشد. از اين رو فارغ از بي اعتباري حقوقي آن از جهت تاثيري که در قضاوت و برداشت ملت ايران از دستاورد تيم دارند بسيار حائز اهميت است.

متاسفانه هم ترجمه توافق ژنو و هم بيانيه لوزان داراي غلطهاي فاحش است. اين که چنين امري چرا رخ داده است شايسته توجه و حائز اهميت است. البته زير سوال بردن سطح سواد انگليسي تيم مذاکره کننده امري نامعقول و دور از ذهن است. زيرا نه متن اين توافقها بسيار دشوار است و نه سطح سواد انگليسي تيم پايين است. متهم کردن مترجمين به بي دقتي و سمبل کاري آن هم در ترجمه سندي با اين درجه از اهميت نيز بسيار دور از ذهن است. زيرا آقاي دکتر ظريف در گفتگوي تلويزيوني در شبکه يک سيما تصريح مي کند:

«همکاران بنده آن را ترجمه کردند و من به همکارانم گفتم که بايد مطمئن باشيم که **عين متن ترجمه شود** و ما به جلسه‌ي وزرا در اختتاميه رفتيم و بنده و عراقچي دوباره اين متن را مشاهده کرديم تا کم و زيادي از متن اصلي نداشته باشد و اطمينان پيدا کنيم. و **وزرا منتظر ما بودند که بتوانيم ترجمه‌ي دقيقي براي متن داشته باشيم.»[[1]](#footnote-1)**

نويسنده تمايلي براي بيان نظر نهايي خود ندارد و از اين رو قضاوت را به خواننده واگذار مي کند و وارد بررسي ترجمه متن مي شود.

**اشکالات ترجمه اي**

اشکالات ترجمه اي متن دو دسته مي باشد:

 دسته اول اشکالاتي است که **دلالت متن را تغيير مي دهد و معناي متفاوتي را بيان مي کند** که چنين اشکالاتي براي يک توافقنامه بين المللي **فاجعه** محسوب مي شود. چون طرف مقابل يک چيز تعهد داده و شما چيز ديگري فهميده ايد.

دسته دوم اشکالاتي است که اگرچه معناي متن و تعهد داده شده را عوض نمي کند اما شايسته يک توافق بين المللي نيست و **زيبنده مترجمين يک سند بين المللي نيست.**

1. **ترجمه هاي غلط که دلالت و معناي متن را تغييير مي دهد**
	1. **فردو**

مطابق ترجمه وزارت خارجه، 1+5 در بخش مربوط به فردو متعهد شده است:

**«در اين مرکز همکاري بين‌المللي در حوزه‌هاي تحقيق و توسعه مورد توافق، مورد تشويق قرار خواهد گرفت»**

مطابق ترجمه فوق، **هم در حوزه تحقيق و هم در حوزه توسعه**، همکاري هاي بين المللي مورد تشويق قرار خواهد گرفت در حاليکه متن انگليسي مي‌گويد:

" International collaboration will be encouraged in agreed areas of **research**."

معادل فارسي کلمه research**،** «**تحقيق»** مي باشد. متن انگليسي تصريح دارد که همکاري هاي بين المللي تنها در زمينه **تحقيق** که مي تواند صرفا نظري و کتابخانه اي باشد مورد تشويق قرار خواهد گرفت.

در متن انگليسي به Development که معادل فارسي آن **«توسعه»** مي باشد هيچ اشاره اي نشده است. بنابراين 1+5 بر خلاف ترجمه وزرات خارجه هيچ تعهدي را در زمينه Developmentيا **«توسعه»** نپذيرفته است.

1. **پروتکل الحاقي**

در بخش مربوط به نظارت ها و شفافيت هاي بيشتر که از جانب ايران پذيرفته شده ترجمه وزارت خارجه چنين است:

**«مجموعه تدابيري براي نظارت بر اجراي مفاد برجام، شامل کد اصلاحي ۳.۱ و اجراي داوطلبانه پروتکل الحاقي مورد توافق واقع شده است.»**

مطابق ترجمه فوق ايران موافقت کرده تا **داوطلبانه** پروتکل الحاقي را اجرا کند. اما در متن انگليسي هيچ نشاني از واژه اي که معناي دواطلبانه بدهد وجود ندارد. واژه اي که **داوطلبانه** معادل آن فرض شده است **provisional** مي باشد.

A set of measures have been agreed to monitor the provisions of the JCPOA including implementation of the modified Code 3.1 and **provisional** application of the Additional Protocol.

در هيچ فرهنگ لغتي provisionalبه معناي داوطلبانه نمي باشد. در فرهنگهاي لغت معتبر انگليسي[[2]](#footnote-2)، کلمه provisional به معناي **موقت** مي باشد. اگر بنا بود تصريح شود که ايران به صورت **داوطلبانه** و نه به صورت **موقت،** پروتکل الحاقي را اجرا مي کند بايد از لفظ **voluntarily** به معناي داوطلبانه استفاده مي شد نه لفظ **provisional** که هيچ ارتباطي با داوطلبانه ندارد.

توضيح تفاوت حقوقي اين دو واژه مفصل است. اما جهت توجه دادن خواننده به دقت ها و ظرافت هاي حقوقي کلمات، به يک نکته مهم اشاره مي شود:

مطابق کنوانسيون وين تمامي قراردادها و موافقت نامه هاي بين المللي بايد **داوطلبانه و آزادانه** باشد.[[3]](#footnote-3) زيرا اگر کشوري از روي اجبار به امضاي قرار دادي يا موافقت نامه اي وادار شده باشد آن توافق، ارزش و اعتبار حقوقي نخواهد داشت. بنابراين، در همه قراردادها و توافقها، اصل بر اين است که آن توافق به صورت داوطلبانه از سوي کشورها پذيرفته مي شود.

قيد داوطلبانه و آزادانه بودن قراردادها يکي از بهترين مستمسک هاي حقوقي ما براي خارج شدن از چنين تعهد ظالمانه اي خواهد بود. خدا را شاکريم که در اين متن، بر خلاف ترجمه فاجعه بار کنوني واژه **voluntarily** در متن انگليسي نيامده است. زيرا در صورتي که در متن اصلي قيد مي شد ايران به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقي را پذيرفته است هيچ مستمسک حقوقي به جز نقض طرف مقابل براي خروج ايران از زير اين توافق ظالمانه باقي نمي ماند. اما خوشبختانه اين اتفاق نيفتاده است و ما در آينده اي که ملت ايران انتخاب متفاوتي را رقم بزند مي توانيم با تمسک به اين اصلِ کنوانسيون وين، ادعا کنيم چنين قراردادي آزادانه و داوطلبانه نبوده است و تحت تحريمهاي شديد اقتصادي و تهديدهاي نظامي امضا شده است و بدين ترتيب اين طوق ذلت را از گردن ملت ايران به دور افکنيم.

1. **همکاري‌هاي بين‌المللي**

مطابق ترجمه وزارت خارجه يکي از تعهداتي که 1+5 در بخش همکاريهاي بين المللي پذيرفته چنين است:

**«ايران در همکاري‌هاي بين‌المللي در حوزه‌هاي انرژي هسته‌اي مشارکت خواهد نمود که مي‌تواند شامل ساخت نيروگاههاي هسته‌اي و راکتورهاي تحقيقاتي شود»**

مطابق جمله فوق ايران مي تواند در ساختن نيروگاههاي هسته­اي و تحقيقاتي مشارکت داشته باشد. مثلا ساخت بخشي از راکتور را متقبل شود. نتيجه اين امر افزايش دانش و مهارت فني متخصصين هسته اي و همچنين زمينه ساز استفاده ايران از تجربيات ساير کشورهاي هسته اي خواهد شد.

پيش از بررسي صحت ترجمه فوق نگفتن اين نکته را جفا به خوانندگان مي دانم و آن اين که: مطابق همين ترجمه غلط هم 1+5 نمي گويد ايران **حتما** در ساختن نيروگاهها مشارکت خواهد داشت و 1+5 **موظف** است اين کار را انجام دهد، بلکه مي گويد «**مي تواند** شامل ساخت نيروگاههاي هسته اي و راکتورهاي تحقيقاتي شود» و اين به لحاظ حقوقي يعني اين که الزامي براي 1+5 در مشارکت دادن ايران وجود ندارد. اما بر فرض چشم پوشي از عدم الزام 1+5 به مشارکت دادن ايران و با فرض الزام 1+5 به انجام اين کار بايد گفت در متن انگليسي هيچ صحبتي از **مشارکت در ساخت** نشده است. تصريح متن انگليسي چنين است:

Iran will take part in international cooperation in the field of civilian nuclear energy which can include **supply** of power and research reactors.

وزارت خارجه ايران کلمه supply را به **ساخت** ترجمه کرده است. در صورتي که معادل ساخت در لاتين building و construction مي باشد. Supply به معناي **تهيه، تامين و تدارک** مي باشد.

بنابراين تعهدي که 1+5 به ايران داده اين نيست که ايران مي تواند در **ساختن** نيروگاههاي هسته اي مشارکت داشته باشد بلکه تعهد 1+5 اين است که ايران مي تواند در **تهيه و تامين** نيروگاهها مشارکت کند. مثلا بخشي از سهام آن را بخرد و هزينه مالي آن را تامين کند.

يکي از خطوط قرمز غربي‌ها اين است که به هيچ عنوان نمي‌خواهند ايران به عرصه تکنولوژي‌هاي پيشرفته وارد شود. حال چطور قابل قبول است که خودشان ايران را در ساخت نيروگاههاي اتمي که يک صنعت پيشرفت محسوب مي شود مشارکت دهند؟

1. **ترجمه هاي غير دقيق**
2. **آب سنگين اراک**

جمله اول متن وزارت خارجه در خصوص راکتور آب سنگين اراک چنين است:

**رآکتورتحقيقاتي پيشرفته آب سنگين در اراک با همکاري مشترک بين المللي باز طراحي و نوسازي خواهد.**

مطابق ترجمه فوق راکتور اراک در قالب يک **همکاري مشترک** بين المللي مثل هر همکاري مشترک ديگري بازطراحي و بازسازي خواهد شد. اما آيا پروژه مشترک بازطراحي و بازسازي اراک يک پروژه مثل پروژه مشترک ديگر مي باشد؟ آيا بازطراحي و بازسازي اراک پروژه اي همانند ساخت يک نيروگاه تحقيقاتي معمولي است؟ ترجمه فارسي چنين امري را به ذهن متبادر مي کند. اما متن انگليسي چيز ديگر مي گويد:

An international joint venture will assist Iran in redesigning and rebuilding a modernized Heavy Water Research Reactor in Arak.

در زبان انگليسي و براساس فرهنگ هاي معتبر انگليسي[[4]](#footnote-4) venture به معناي کاري است که قبلا سابقه نداشته و توام با ريسک يا عدم قطعيت است. در زبان انگليسي به هر اقدامي venture گفته نمي شود. مثلا اگر بخواهيم در مزارع شمال برنج يا در لاهيجان چاي يا در خراسان زعفران بکاريم هيچيک از اين اقدامات venture محسوب نمي شود. اما اگر بخواهيم در خراسان چاه نفت استخراج کنيم يا در خليج فارس ماهي خاويار پرورش دهيم اينها venture هستند. زيرا چنين کاري تاکنون نشده است و همراه با مخاطره و ريسک است.

متن انگليسي به درستي بر اين نکته تاکيد دارد که همکاري مشترکي که بناست در ساخت راکتور اراک شکل بگيرد يک joint venture است. اما چرا در بيانيه بر اين امر تاکيد و تصريح مي شود که همکاري مشترک در اراک يک همکاري خاص و joint venture است؟ چرا 1+5 مي خواهد تصريح کند که بازطراحي اراک يک اقدام مخاطره آميز مشترک است؟ چون باز طراحي و بازسازي يک راکتور آن هم در حالي که حدود نود درصد کارهايش انجام شده تاکنون در دنيا انجام نشده است. چون نيازي به اين کار نيست. زيرا از همان ابتدا و بر اساس نيازهاي کشور نوع راکتور و قدرت آن مشخص مي شود و بر اساس يک نقشه ساخته مي شود. دليلي ندارد که طراحي يک راکتور را ـ آن هم در مراحل اتمام نه آغاز ـ بخواهند عوض کنند. اين کار مثل آن است که کارخانه سازنده پژو تصميم بگيرد ماشين پژو را در آخرين مراحل ساختش به ماشين بنز تبديل کند.

اين توضيحات مخاطره آميز بودن بازطراحي اراک را نشان مي دهد اما اين سوال کماکان باقيست که چرا 1+5 دوست دارد به اين امر تصريح کند؟ تصريح به اين امر چه نفعي براي 1+5 دارد؟ مطابق ادعاي ايران بايد بازسازي راکتور اراک بر طبق جدول زماني باشد تا 1+5 نتواند با کش دادن بازسازي آن، عملا ايران را براي سالهاي طولاني مثلا بيست سال از راکتور اراک محروم کند. پيش از ارزيابي اين تدبير ذکر نکته اي لازم و ضروري است. مطابق توافق صورت گرفته بايد قلب راکتور اراک از جاي خود خارج شود و با يک قلب جديد که توان توليد پلوتونيوم تسليحاتي نداشته باشد جايگزين شود. لازم به توجه است که اگر قلب راکتور از جاي خود خارج شود بازگرداندن آن سر جاي خود داراي خطرات ايمني مي باشد و به عبارت ديگر قابل بازگشت نيست. از اين رو زماني که قلب راکتور اراک از سر جاي خود خارج شد و خيال 1+5 از بسته شدن دست ايران راحت شد تعلل ها آغاز خواهد شد. وقتي که مسئول ايراني به آنها اعتراض کند که چرا در کار تعلل مي کنيد و بر طبق جدول زماني پيش نمي رويد؟ طرف مقابل در حالي که لبخندي آکنده از تحقير و تمسخر بر لب دارد خواهد گفت: Mr! as I said **it is a venture** و کاملا حق با اوست زيرا جدول زماني در کاري که **venture** است جنبه برآوردي و تخميني دارد نه قطعي و تخلف ناپذير.

1. **تحريم‌ها**

بخش تحريمهاي امريکا چنين ترجمه شده است:

 **و ايالات متحده نيز اجراي تحريم هاي مالي و اقتصادي ثانويه مرتبط با هسته اي را، همزمان با اجراي تعهدات عمده هسته اي ايران به نحوي که توسط آژانس بين المللي انرژي اتمي راستي آزمايي شود، متوقف خواهد کرد.**

در متن فوق به خاطر عدم پايبندي دقيق به متن اصلي بعد از کلمه «**همزمان**»عبارت **اجراي تعهدات هسته اي ايران** آورده شده است و خواننده را به اين اشتباه مي اندازد که توقف تحريمها همزمان اقدام ايران است. در حالي که متن انگليسي اين گونه نيست.

and the US will cease the application of all nuclear-related secondary economic and financial sanctions, simultaneously with the IAEA-verified implementation by Iran of its key nuclear commitments.

ترجمه دقيق متن فوق چنين است:

 و امريکا اجراي تحريم‌هاي ثانويه اقتصادي و مالي مرتبط با هسته‌اي را **همزمان** **با تاييد آژانس** **مبني بر اعمال تعهدات کليدي هسته اي توسط ايران** متوقف خواهد کرد.

عبارت فوق به درستي تصريح دارد که ابتدا ايران به تعهدات خود عمل خواهد کرد و اگر آژانس پايبندي ايران به تعهداتش را تاييد نمود آنگاه امريکا اجراي تحريمهاي ثانويه اقتصادي و مالي مرتبط با هسته اي را متوقف خواهد نمود.

1. **غني سازي**

جمله اول بخش مربوط به غني سازي چنين ترجمه شده است:

**همچنان که ايران برنامه صلح آميز هسته اي خود را دنبال مي کند،**

در حالي که متن انگليسي چنين است:

As Iran pursues **a** peaceful nuclear programme

بنابراين ترجمه صحيح آن عبارتست از:

همچنان که ايران **يک** برنامه صلح آميز هسته اي را دنبال مي کند.

نکته مستتر در اين جمله اين است که بر خلاف ادعاهاي صورت گرفته، در بيانيه لوزان هيچ صحبتي از **حق هسته اي يا حق غني سازي** براي ايران به ميان نيامده است. آنچه در بيانيه لوزان آمده اين است: ايران همچنان که يک برنامه صلح آميز هسته اي را دنبال مي کند ...

1. **نوسازي راکتور اراک**

در متن فارسي لوزان بخش مربوط به آب سنگين اراک صحبت از **نوسازي** راکتور شده است:

**رآکتورتحقيقاتي پيشرفته آب سنگين در اراک با همکاري مشترک بين المللي باز طراحي و نوسازي خواهد.**

در حالي که در متن انگليسي همان گونه که در ذيل مشاهده مي شود صحبت از بازسازي است و نه نوسازي که بار مثبتي را به ذهن مخاطب القا مي کند.

An international joint venture will assist Iran in redesigning and rebuilding a modernized Heavy Water Research Reactor in Arak.

**جمع بندي**

همان گونه که ملاحظه شد متن دو صفحه اي و نه چندان دشوار بيانيه لوزان حاوي اغلاط فاحش و بي دقتي هاي ترجمه اي است. دو فرض کم سوادي يا بي دقتي براي تيم مذاکره کننده قابل قبول نيست و خواننده خود تلاش کند فرض مناسبتري را براي چنين خطايي پيدا کند.

**به اميد بازگشت اقتدار، عزت و خود باوري به دولت**

|  |
| --- |
| غلطها و بي دقتي هاي ترجمه بيانيه لوزان |
| ترجمه هاي غلط  |
| رديف | **آدرس** | **انگليسي** | **ترجمه وزارت خارجه** | **ترجمه درست** |
| 1 | **بخش** **فردو** | **research** | **تحقيق و توسعه** | **تحقيق** |
| 2 | **بخش پروتکل الحاقي** | **provisional** | **داوطلبانه** | **موقت** |
| 3 | **بخش همکاريها** | **supply** | **ساخت** | **تهيه و تامين** |
| ترجمه هاي غير دقيق |
| رديف | **آدرس** | **انگليسي** | **ترجمه وزارت خارجه** | **ترجمه دقيق** |
| 1 | **بخش راکتور اراک** | **joint venture** | **همکاري مشترک** | **همکاري بامخاطره** |
| 2 | **بخش تحريمها** | **simultaneously with the IAEA-verified implementation by Iran of its key nuclear commitments** | **همزمان با اجراي تعهدات هسته اي ايران ...** | **همزمان با تاييد آژانس ...** |
| 3 | **بخش** **غني سازي** | **As Iran pursues a peaceful nuclear programme** | **همچنان که ايران برنامه صلح آميز هسته اي خود را دنبال مي کند.** | **همچنان که ايران يک برنامه صلح آميز هسته اي را دنبال مي کند.** |
| 4 | **بخش راکتور اراک** | **redesigning and rebuilding** | **نوسازي** | **بازسازي** |

1. . **گفتگوي تلويزيوني دکتر ظريف، شنبه 16 فروردين 1394، برنامه شامگاهي نگاه يک.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . **براي مثال فرهنگ لغت کمبريج، provisional را چنين توضيح داده است:**

for the present time but likely to change; **temporary**  [↑](#footnote-ref-2)
3. . **مقدمه کنوانسيون وين: با درك اين كه اصل رضايت آزادانه و اصل حسن نيت و قاعدة الزام آور بودن تعهدات بصورت جهاني مورد قبول قرار گرفته است ...** [↑](#footnote-ref-3)
4. . براي مثال فرهنگ لغت کمبريج در ذيل واژه venture مي نويسد:

**a new activity**, usually in business, which involves **risk or uncertainty.** [↑](#footnote-ref-4)